■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۰۳۷ ■ پنجشنبه ■ ۵ آبان ۱۴۰۱

# ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۴۸ | اذان مغرب ۱۷/۳۳ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۶ | اذان صبح فردا ۴/۵۸ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۲

**سخن روز**

**پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:**
**از حاکمان الهی اطاعت کنید و گوش به فرمان باشید زیرا اطاعت از رهبری مایه «وحدت امت اسلام» است.**
**امالی مفید، جلد ۱ ص ۱۴ مجلس ۲ حدیث ۲**

## هنرمندان شهرستان‌ها باید دیده و از ظرفیت هنری آنها استفاده شود

**فرهاد قائمیان/** برگزار کردن رویداد سینمایی با عنوان «مهر سینمای ایران» آن هم در همه استان‌ها، موجب تمرکززدایی از استان تهران می‌شود که بسیار حائز اهمیت است. ضمن آنکه هنرمندان هر استان انگیزه‌ای پیدا می‌کنند تا هنرشان را در استان محل زندگیشان در معرض نمایش بگذارند. مهر سینمای ایران نباید تنها یک حرکت منطقه‌ای یا استانی باشد، بلکه مسئولان هنری باید در این رویداد همکاری کنند و هنرمندان خوبِ هر استان را شناسایی و جذب کنند. به عقیده من، جذب هنرمندان استان‌ها باعث می‌شود تولیدات و خروجی‌های بهتری هم در عرصه سینما داشته باشیم. هنرمندان در سایر استان‌ها و شهرستان‌ها باید دیده شوند و از ظرفیت هنری آنها استفاده شود. ما باید بستری فراهم کنیم تا استعدادهای هنری شهرستان‌ها را وارد سیستم اصلی کنیم و تا جایی که من اطلاع دارم مهر سینمای ایران توانسته در این راه گام بردارد. پیشنهاد من این است که حتی اگر هنرمندان هم نمی‌توانند در تهران فعالیت کنند، بهتر است کارشناسان تخصصی را به شهرستان‌ها اعزام کنیم تا فضای مناسبی برای رشد اهالی هنر ایجاد شود. تعاملی که اکنون بین مدیران سینمایی و هنرمندان استان‌ها در مهر سینمای ایران برقرار شده، می‌تواند به‌گونه‌ای پیش رود که در سال‌های بعدی شاهد پیشرفت هنر هفتم باشیم. در نهایت، برای رشد و ترقی نیاز به همکاری دو طرف داریم.

بخشی از صحبت‌های این بازیگر با ایرنا

**سر شوریده‌ای آورده‌ام از وادیِ مجنون**
**تهی سازید از سنگ ملامت جَیب و دامان‌ها**
**حیات جاودان خواهی به صحرای قناعت رو**
**که دارد یادِ هر موری در آن وادی سلَیمان‌ها**
دیوان صائب تبریزی

## تحقیر دیگری با بی‌دقتی در گزینش واژگان

یادداشت

دکتر نفیسه حشمتی‌مولائی
روانشناس

برخی مواقع برحسب عادت یا خطا ممکن است کلماتی را به زبان بیاوریم که برای ما خیلی مهم نباشند؛ اما آسیب آن به افرادی برسد که این موضوعات برایشان به دلایلی دارای اهمیت است. اینکه واژگان ما چه بار معنایی داشته باشد، مهم است؛ از این‌رو در انتخاب مناسب لغات، بی‌تردید داشتن دانش و ادب تعیین‌کننده است. ممکن است برای یک مادر که منتظر به دنیا آمدن فرزندش است، در آن دوره خاص، خیلی مهم باشد که او را باردار یا حامله بنامیم؛ چرا که این نام با خود بار زحمتی که بر دوش اوست، همراه دارد؛ در چنین شرایطی شاید به کار بردن اصطلاح زیبای دوجان (دارای دوجان) برای او دلنشین‌تر باشد. برای یک خانم که فرزندانی را پرورش داده و به آنها عشق ورزیده؛ اما خودش آنها را به دنیا نیاورده، شنیدن اصطلاح نازیبای مادرخوانده یا بدتر از آن واژه نادلپذیر نامادری، بسیار دردناک است و با استفاده نکردن از این واژه هم سطح احترام و ادب خود را نشان داده‌ایم؛ هم به چنین شخصی با کلامی گزنده آسیب روانی نرسانده‌ایم.

یکی دیگر از این واژگان نامناسب این است که در شوخی‌هایمان از واژه تیمارستان استفاده کنیم؛ به گونه‌ای که جنبه تحقیر و تمسخر داشته باشد و آن مکان را جای بسیار بدی جلوه دهیم. چندین نفر از مراجعانم را می‌شناسم که به دلیل این نوع شوخی‌های نابجا و سوگیری‌های اشتباه مردم، خجالت می‌کشند که بگویند سابقه بستری موقت در بیمارستان روانی را داشته‌اند و از اینکه قسمتی از گذشته‌شان حتی در حد چند روز را در این مکان گذرانده‌اند، بسیار احساس شرمساری می‌کنند و این موضوع حتی روی سطح عزت نفس آنها اثر نامطلوب گذاشته است.

مورد مشابه دیگر جملات و عبارات ناپسندی است که بعضی از افراد درباره درمان‌های سلامت روان به کار می‌برند و در جامعه جا افتاده است که اگر کسی نزد روانشناس برود، روانی است و این موضوع سبب آن می‌شود که بسیاری از مردم از ترس اینکه مبادا به آنها واژه روانی یا دیوانه اطلاق شود، از مراجعه به مشاور یا روانشناس اجتناب کنند و خیلی از مسائل‌شان، که با یک مشورت گرفتن از متخصصان در زمان مناسب می‌توانست به خوبی حل شود، به دلیل این اجتناب‌های نابجا به مشکلاتی وخیم و بزرگ تبدیل شود. این در حالی است که همان طور که سلامت جسم ما اهمیت دارد و در صورت بیماری جسمی، به پزشک مراجعه می‌کنیم، در صورت بروز مشکلات روانی، نیز باید به روانشناس یا روانپزشک یا سایر متخصصان حوزه سلامت روان مراجعه کنیم. این مشکلات ممکن است به علت‌های مختلفی مثل سوگواری، طلاق یا استرس زیاد و... رخ داده باشد و بسته به نوع آن بیماری و شرایط بیمار، طول درمان و همچنین نوع درمان، متفاوت شود و در برخی موارد ممکن است نیاز باشد تا فرد، چند روزی در یک بیمارستان روان بستری باشد؛ همان طور که وقتی فردی مثلا دچار بیماری کلیه یا کبد یا... می‌شود، ممکن است مدتی در بیمارستان بستری باشد.

یادمان باشد دقیقاً همان طور که پس از بهبود بیماران جسمی، بیمار بهبودیافته را بیمار نمی‌انگاریم، در مورد بیماران حوزه روان نیز نباید آنها را پس از درمان، به چشم بیمار ببینیم و از واژگان تحقیرآمیز درباره‌شان استفاده کنیم. اینکه واژگان مناسب را بشناسیم و زبان روزمره ما فاقد واژگان آسیب‌زا باشد، هم تحت تأثیر تربیت خانوادگی است؛ هم نیاز به فرهنگسازی عمومی دارد، که نقش رسانه‌ها در این امر، بسیار دارای اهمیت است. اینکه چطور صحبت می‌کنیم و چقدر در انتخاب واژگان خود گزینش مناسبی داریم، نشان‌دهنده میزان رشد روانی و اجتماعی ما است و بهتر است در رشد دادن خود در این حیطه کوشا باشیم که سعدی شیرین سخن می‌گوید:

تا مرد سخن نگفته باشد
عیب و هنرش نهفته باشد

## نقش مدرسه در آموزش فرزندان

هنر و روان

شهره طاعتی
مددکار اجتماعی

مدرسه را می‌توان جزو جدایی‌ناپذیر خانواده‌ها دانست. شاید بتوان گفت که مدرسه عضوی از یک خانواده به حساب می‌آید. البته این موضوع از حدود صد سال پیش در ایران رقم خورده و به صورت همه‌گیر میان خانواده‌های ایرانی جای خود را باز کرده است و نقش مهمی در تعلیم و پرورش کودکان و نوجوانان ایفا می‌کند و والدین نیز کم‌کم بخش عمده آموزش سواد و بعدها آموزش‌های دیگری نظیر فعالیت‌های گروهی و مهارت‌های حرفه‌ای را نیز به‌عهده مدرسه و عوامل آن گذاشتند. در دهه‌های اخیر این موضوع در شرف کمرنگ شدن است ولی همچنان بخش بزرگی از خانواده‌ها برای تربیت فرزندان‌شان سهم بزرگی برای مدرسه قائل هستند. از این رو معلمان و مربیان مدارس و کارمندان آموزش و پرورش باید دائماً درحال به‌روز کردن آموزش‌ها و اطلاعات تربیتی، علوم روز مانند دانش‌های مختلف، دانش اجتماعی و... باشند تا بتوانند نسلی از فرزندان جامعه را به بهترین شکل آموزش دهند.

دانش آموزان الگوپذیری بالایی از معلمان خود دارند. آنها با ورودشان به مقطع ابتدایی، به مرحله جدیدی از زندگی‌شان وارد می‌شوند، جدایی موقت از خانواده را تجربه می‌کنند و به صورت غیرمستقیم تمرین استقلال می‌کنند. هر روز که پیش می‌روند با جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی غیر از خانواده‌شان آشنا می‌شوند و می‌آموزند که در هر موقعیت چگونه رفتار کنند. در طول سال‌های مدرسه، فرزندان ما بارها و بارها از طریق آزمون و خطا کردن، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های زندگی را می‌آموزند. یاد می‌گیرند که در جمع دوستان به چه نحوی می‌توانند عضویت داشته باشند و چگونه ارتباط خود را حفظ کنند. از همین جمع‌های دوستانه دانش‌آموزی هیجانات مختلفی را که درون هر انسانی وجود دارد، می‌شناسند و اگر تحت آموزش‌های درست معلمان و مربیان و والدین قرار داشته باشند، علاوه بر شناخت هیجانات و آشنایی با آنها، یاد می‌گیرند که هر کدام از این هیجانات و احساسات در چه موقعیت‌هایی بروز می‌کنند و نقش خود را در مدیریت آنها پیدا می‌کنند. مدرسه نمونه کوچک یک جامعه محسوب می‌شود زیرا تمامی کارکنان، مدیران، افراد مؤثر و موفق و ناموفق یک جامعه بزرگسال آینده را درون خود جای داده و پرورش می‌دهد. پس از مرحله دبستان، فرزندان با ورودشان به دوران نوجوانی، به مرحله‌ای بالاتر در مدرسه وارد می‌شوند که بر مسئولیت‌شان در قبال درس‌ها و خودشان افزوده می‌شود. سطح علمی و دانشی درس‌ها و کتاب‌های‌شان ارتقا پیدا می‌کند، معلمان و عوامل مدرسه از آنها انتظار رفتارهای همراه‌تر با قوانین مدرسه دارند زیرا در این سن آنها شناخت نسبی به حقوق دانش‌آموزی خود و انتخاب راه زندگی تحصیلی و شخصی را به دست آورده‌اند و فقط با کمی آگاهی بزرگترها (والدین، معلمین و مربیان) می‌توان به آنها سمت و سوی موفقیت و زندگی بهتر را نشان داد. حال اگر خود این افراد بزرگسال که مربیان آموزشی مهمی محسوب می‌شوند ناآگاه باشند، مهارت حل مسأله را نداشته باشند و نتوانند بین رفتارهای دانش‌آموزان تفکیک قائل شوند و آنها را شخصی تلقی کنند، قاعدتاً و مطمئناً نمی‌توانند دانش‌آموزان با مهارتی تربیت کنند و حتی آسیب‌های بیشتری به نسل درحال آموزش می‌زنند که نتیجه این آسیب‌ها هم در زندگی فردی دانش‌آموز و هم در زمان بزرگسالی او نمود اجتماعی پیدا خواهد کرد.

## روایتی از زندگی جهادی فرمانده یزدی

پیشنهاد

کتاب «اگر برگشتم» به قلم مرضیه قائمی‌زاده روایت زندگی شهید «محمدحسین حسن‌زاده» از فرماندهان یزدی دوران دفاع مقدس توسط انتشارات «سوره مهر» به بازار کتاب عرضه شد. در این زندگینامه داستانی، بخشی از سبک زندگی، شخصیت، منش، ایثار و مجاهدت‌های سردار شهید «محمدحسین حسن‌زاده» روایت شده است. نویسنده سعی کرده روایت‌ها به شکل داستانی پردازش شود تا مخاطب راحت‌تر با حال و هوای وقایع ارتباط برقرار کند.

این کتاب در ۱۴۸ صفحه و ۱۲ فصل با شمارگان ۱۲۵۰ نسخه به همت واحد فرهنگ و مطالعات پایداری حوزه هنری استان یزد توسط نشر سوره مهر روانه بازار کتاب شده است. سردار شهید «محمدحسین حسن‌زاده» دهم تیرماه ۱۳۳۷ در فیروزآباد شهرستان میبد در خانواده‌ای متدین و سختکوش به دنیا آمد. وی پس از اخذ مدرک دیپلم در رشته طبیعی، در یک شرکت راهسازی به کار مشغول شد و همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی و فرمان امام خمینی(ره) مبنی بر تشکیل بسیج، دعوت امام را لبیک گفت و به همراه جمعی از دوستانش بسیج میبد را پایه‌گذاری کردند. محمدحسین با آغاز جنگ تحمیلی راهی جبهه‌ها شد و مردادماه ۱۳۶۰ به عضویت رسمی سپاه درآمد و پس از آن در اغلب عملیات حضور داشت. او هرچند در عملیات فتح‌المبین از ناحیه شکم و چشم چپ مجروح شد، اما به محض بهبودی نسبی بار دیگر عازم جبهه شد و سرانجام این رزمنده دلاور ۱۹ بهمن ۱۳۶۱ در عملیات والفجر مقدماتی با سمت فرمانده گردان در منطقه فکه به شهادت رسید و پیکر مطهرش پس از ۸ سال در دی‌ماه ۶۹ به میهن بازگشت و در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپرده شد. در بخشی از داستان این کتاب آمده است: صدای بسته شدن در خانه آمد. بی‌بی‌زهرا دوید سمت در، اما خبری از محمدحسین نبود، باد صدای در را درآورده بود. بی‌بی زهرا برگشت توی اتاق اما ننشست، رفت سراغ آشپزخانه، روی یخچال را نگاه کرد و برگشت. نگاهی به ساعت انداخت. عقربه‌ها خیلی از هم فاصله نگرفته بودند. رفت سراغ جانماز سبز روی طاقچه و تسبیحش را پیدا کرد. باد درهای بسته را هم آرام نمی‌گذاشت. تا یک دور تسبیح را تمام کند دو بار تا در خانه رفت و برگشت. یک بار هم بچه همسایه را که توی کوچه بازی می‌کرد تا سر کوچه فرستاد. از محمدحسین خبری نبود. بار آخر خودش رفت. با همان چادر گلدار و دمپایی قهوه‌ای توی حیاط. اما این بار نه تا سر کوچه، پیاده رفت تا خود سپاه. حیاط و ساختمان سپاه پر بود از جوان‌هایی هم‌قد و قواره پسرش، با لباس‌های هم‌شکل او، خاکی. چشمش بین آنها گشت تا آنچه را باید پیدا کرد. مدتی ساکت چشم دوخت به او. خودش بود؛ با همان قد بلند و موهای مجعد مشکی، فقط کمی لاغرتر. زیر لب گفت: «اشکالی نداره خودم دوباره پرورش می‌کنم.»

## افسوس بر گذشته و ترس از آینده عمر را به هدر می‌دهد

یادداشت

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

پیروی از عقل و منطق ایجاب می‌کند آدمی از قوانین خلقت پیروی نماید و خویشتن را با مقررات نظام آفرینش هماهنگ کند. آرزوهای ناشدنی درسر نپروراند و متوقع نباشد که جهان بر وفق مراد او بوده و تمام خواسته‌ها و تمایلاتش برآورده شود. بلکه باید خود را با سنت‌های عالم منطبق کرده و خواسته‌های خویش را با موازین و معیارهای نظام تکوین موافق سازد تا بتواند به نسبت از منافع و نعمت‌های دنیا برخوردار شود و به قدر ممکن از زیان‌ها و نقمت‌های آن برکنار ماند. با توجه به اینکه هیچ‌کس از بلایا و آفات جهان ایمن نیست، لازم است هر فرد خود را به شایستگی بسازد. روح و اراده را تقویت کرده و ملکه صبر و شکیبایی و تسلط بر نفس را در خود به‌وجود آورد. تنها در این صورت است که در ناملایمات زندگی فرومایه و زبون نشده، خود را نباخته، مقهور نگرانی و تشویش خاطر نگشته و نیرومندانه در مقابل مصایب و آلام مقاومت می‌کند.

دست یافتن به چنین حالت روحی و نیل به این کمال معنوی جز با مهار کردن غرایز و تمایلات نفسانی و غلبه بر نیروی وهم و خیال میسر نیست. البته این کار بسی دشوار است و انجام آن مستلزم مجاهدت و کوشش مدام و اجرای برنامه‌های روانی و عملی همه‌جانبه است. روانشناسان و معلمین اخلاق بیش و کم درباره نگرانی بحث کرده و برای مبارزه با تشویش خاطر راه‌هایی را ارائه کرده‌اند، ولی تاکنون این مشکل بزرگ آنطور که باید حل نشده و بشر از این بلای بزرگ رهایی نیافته است.

اولیای گرامی اسلام چهارده قرن قبل با اتکا به نیروی ایمان و تحلیل حالات روحی انسان راه مبارزه با نگرانی را به مردم آموخته‌اند و برای آنکه پیروان‌شان قوی و بااراده بار بیایند، در مقابل مشکلات زندگی مقاوم و بردبار باشند و مقهور نگرانی و تشویش خاطر نشوند، وظایفی را برای آنان معین کرده و برنامه‌هایی را تعلیم داده‌اند. افسوس بر گذشته و ترس از آینده ازجمله عوامل نگرانی و تشویش است. اگر کسی تسلیم این دو عامل زیانبار شود و صفحه خاطر را میدان تاخت‌وتاز تخیلات دیروز و امروز قرار دهد به واقعیت‌های زندگی آنطور که باید توجه نکرده و از انجام وظایفی که در حال حاضر به‌عهده دارد، باز می‌ماند. بدین‌ترتیب عمر گرانبها با اندیشه‌های پوچ و اوهام رنج‌آور و دردناک طی شده و زندگی با تلخکامی می‌گذرد. برای نجات از این وضعیت باید انسان تصمیم قاطع بگیرد، فکر گذشته و آینده را از سر به‌در کند، به امروز بپردازد و از فرصتی که در اختیار دارد حداکثر استفاده را بنماید.

امام صادق(ع) در این مورد می‌فرماید: «ایام زندگی سه روز است؛ روزی که گذشته و برگشت ندارد، روزی که اکنون موجود است و باید مغتنمش شمرد و فردایی که نیامده و تنها آرزوی آن پیش روی مردم است.»

عمر گرانقدر که دستمایه موفقیت‌ها و سعادت انسان است، به جبر سپری می‌شود. اگر دوران عمر را با واحد تنفس محاسبه کنیم نتیجه آن می‌شود که در هر نفس یک واحد از نقد عمر ما کم می‌شود و به‌قدر یک نفس به پایان زندگی نزدیک می‌شویم. این ما هستیم که می‌توانیم واحدهای عمر را در اعمال ثمربخش و مفید صرف کنیم و بهره‌مند شویم یا در مجاری بیهوده و احیاناً زیانبار به کار اندازیم و متضرر شویم. کسی که وقت خود را در افسوس بر گذشته صرف می‌کند، نه‌تنها امروزش تلخ طی می‌شود بلکه زمینه نگرانی و بدبختی فردای خود را نیز فراهم می‌آورد. حضرت علی(ع) چه خوب فرمود: «خود را به گذشته مشغول کردن و بر چیزی که از دست رفته افسوس خوردن، عمر را ضایع کرده و به هدر می‌دهد.»

ترس از آینده نیز همانند افسوس بر گذشته، مایه نگرانی، باعث اتلاف عمر و سد راه فعالیت‌های مفید و ثمربخش است. آینده هر انسانی به وضع کنونی او بستگی دارد، کسی که از فرصت موجود بدرستی استفاده می‌کند و وظایف امروز خود را بخوبی انجام می‌دهد، علی‌القاعده فردای خوب و درخشانی خواهد داشت. ترس از آینده در وضع فعلی فرد اخلال ایجاد کرده، آدمی را از فعالیت صحیح باز می‌دارد. ترس از روزهای نیامده همچنین ناراحتی و رنج روحی به بار می‌آورد و فردا را نیز تیره و تار می‌کند. امیرالمؤمنین علی(ع) در این باره می‌فرماید: «شیرینی آرامش فکر و ایمنی خاطر را تلخی ترس از آینده تیره و کدر می‌کند.»

## عکس نوشت

**مجسمه مرمرین «داوود» اثر «دوناتلو» پیکرتراش نامدار ایتالیایی برای نخستین‌بار و در نمایشگاه بزرگی از شاهکارهای این مجسمه‌ساز چیره‌دست در بریتانیا به نمایش گذاشته می‌شود. این مجسمه معروفترین اثر پیکرتراش ایتالیایی است که در موزه «ویکتوریا و آلبرت» نگهداری می‌شود./ایسنا**

نـــگاره

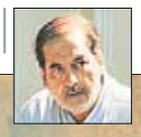

رضا بدرالسما / نقاش پیشکسوت

شکوه ایران

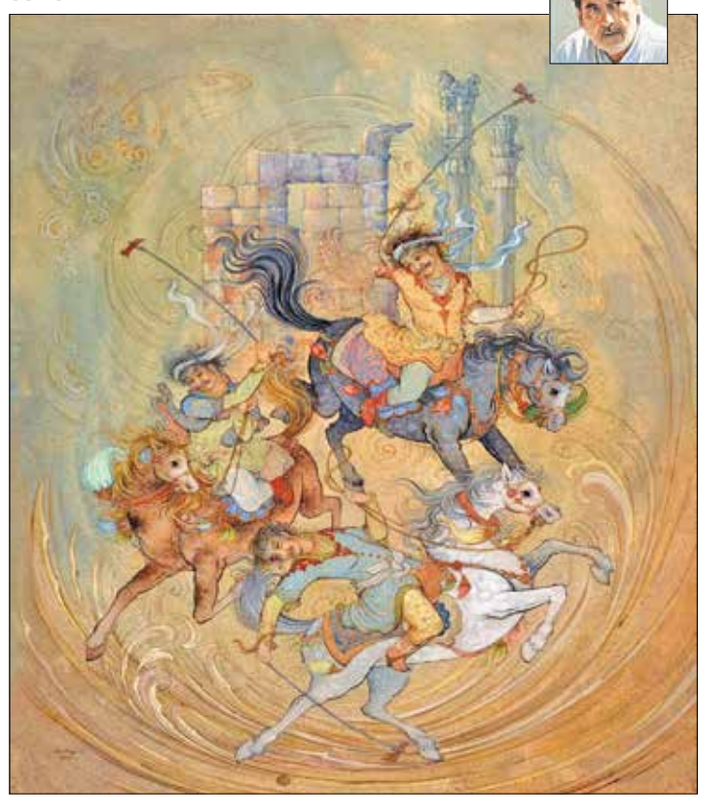

## هنرمندان در فضای مجازی

فضای مجازی اهالی فرهنگ و هنر حال و هوای دیگری پیدا کرده و گویا فصل تازه‌ای را برای فعالیت‌های خود آغاز کرده اند.

■ **یاد**

ژول بیس کارگردان، تهیه‌کننده، آهنگساز و نویسنده آثار انیمیشن کلاسیک از جمله «آدم برفی یخ‌زده» روز سه شنبه در سن ۸۷ سالگی در نیویورک درگذشت. ژول بیس کارگردانی انیمیشن‌های بسیاری از جمله آخرین تک شاخ را برعهده داشته است. جک یخ‌زده، هابیت و بابانوئل داره میاد به شهرمون از دیگر آثاری است که بیس کارگردانی آنها را بر عهده داشت.

■ **نماورسانه**

به گفته کارگردان سریال «وضعیت زرد» احتمال دارد فصل سوم این سریال را به نوروز و رمضان سال آینده برسانند. مجید رستگار اشاره داشته فصل دوم این سریال بسیار متفاوت بوده و حتی نسبت به فصل اول مخاطبانش هم خیلی بیشتر شد و به ۱۸ درصد رسید. قصه در فصل دوم خیلی شیرین و متفاوت شد و حتی اگر در شبکه‌ای پربیننده‌تر مثل شبکه سه پخش می‌شد حتماً روی ۳۰ درصد می‌رفت. این کارگردان می‌گوید ما سلبریتی نداشتیم و بدون سلبریتی درآوردن کار خیلی سخت است به ویژه که ما در این فصل ۱۸۰ بازیگر داشتیم. فصل قبل هر قسمت یک بازیگر جدید داشتیم ولی این فصل هر دو یا سه سکانس بازیگر داشتیم. قالب کار هم درآمده و این روزها در مرحله پیش تولید هستیم، بازیگران اصلی هم همان نقش‌ها هستند و حدود سه هفته دیگر که این ۲۶ قسمت نوشته شود برای تولید نوروزی کار آماده خواهیم شد.

■ **نمایش‌وصحنه**

مجموعه تئاتر شهر این روزها میزبان سه اثر نمایشی است که اجرای آنها تازه آغاز شده است. تالار چهارسو این مجموعه از چهارشنبه ۴ آبان ماه نمایش «فرزند یک خنیاگر» به نویسندگی و کارگردانی شکرخدا گودرزی را روی صحنه برد. این نمایش طی روزهای چهارم تا هجدهم آبان ماه میزبان مخاطبان تئاتر خواهد بود. تالار قشقایی نیز این شب‌ها پذیرای نمایش «پاره‌هایی از چند زندگی» به نویسندگی کیانوش احمدی و تهیه‌کنندگی و کارگردانی شیوا دیناروند است که اجرای آن از روز اول آبان ماه آغاز شده و هر شب رأس ساعت ۲۰:۱۵ به صحنه می‌رود. این نمایش روایت‌هایی از همسران شهداست. تالار سایه نیز از یکی دو روز آینده میزبان نمایش «شراره» به نویسندگی و کارگردانی محمد مهدی خاتمی می‌شود. این اثر نمایشی نگاهی به زنانی دارد که زندگی‌شان تحت تاثیر جنگ، دستخوش تغییراتی می‌شود. تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر پیش از این، میزبان نمایش «پدر» به نویسندگی فلوریان زلر و کارگردانی آروند دشت‌آرای بود که اجرای آن بعد از تعطیلات تئاتر در مقطع فعلی، متوقف شد. نمایش «خونه» به نویسندگی و کارگردانی نسیم تاجی هم از روز پنجشنبه ۵ آبان‌ماه ۱۴۰۱ در تماشاخانه سنگلج روی صحنه می‌رود و همزمان با اجرای اول خود، میزبان عکاسان و خبرنگاران خواهد بود. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: «خانه‌ای بی سند که از زمان‌های دور افرادی در آن ساکن شده‌اند، خانه در حال ریزش است و به دلیل نداشتن سند زیباسازی شهرداری نمی‌تواند کمکی کند و سکنه خانه به این فکر می افتند که خانه را بفروشند...» این نمایش هر روز به جز شنبه‌ها تا ۵ آذر از ساعت ۱۹:۴۵ روی صحنه خواهد بود و علاقه‌مندان برای تماشای آن می‌توانند از سایت تیوال بلیت تهیه کنند.

خبر دیگر در خصوص تئاتر معرفی بازیگران نمایش «پرده خانه» به نویسندگی بهرام بیضایی و کارگردانی گلاب آدینه است. نورا هاشمی، علیرضا ناصحی، مانیا علیجانی، سامان کرمی و سعید چنگیزیان به همراه بیش از پنجاه نفر از بازیگران تئاتر، گلاب آدینه را در نمایش «پرده خانه» همراهی می‌کنند. پیش‌فروش بلیت نمایش به تهیه‌کنندگی سعیده اسمعیل‌نیا و اجرای طرح شبیر پرستار از یکشنبه هشتم آبان ماه آغاز خواهد شد و «پرده خانه» از ۱۵ آبان ماه ساعت ۲۱ در سالن شماره یک پردیس تئاتر شهرزاد به صحنه می‌رود. همچنین نسیم قره داغی نوازنده تنبک، دف و دایره و روژان محمدی نوازنده کمانچه «پرده خانه» است.

■ **کتاب‌وادبیات**

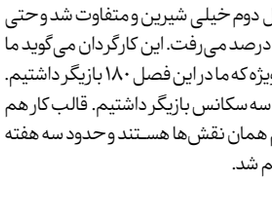

کاربران شبکه اجتماعی «تیک تاک»، اپلیکیشنی را که ماهیت سرگرمی دارد، به فضایی برای معرفی کتاب تبدیل کرده‌اند. آنها از طریق استفاده از هشتگ «BookTok#» درباره کتاب‌هایی که خوانده‌اند و خلاصه کتاب‌ها با هم صحبت و تبادل نظر می‌کنند. این هشتگ به صورت گسترده و بیش از ۸۴ میلیارد بار به اشتراک گذاشته شده است. تاریخ اولین استفاده از این هشتگ به اواخر سال ۲۰۲۰ باز می‌گردد. BookTok# فقط برای معرفی نویسندگان معروف ایجاد نشده است، بلکه برای نویسنده‌های کمتر شناخته شده و گمنام هم فرصت خوبی را ایجاد کرده است. شبکه اجتماعی تیک تاک در بازار فروش کتاب هم مؤثر بوده و سبب شده تا برخی از ناشران وارد این فضا شوند و از اینفلوئنسرها هم برای معرفی کتاب‌هایشان کمک بگیرند.

■ **تصویروتجسمی**

کارگاه هنری «آبروی ری» به مناسبت سالروز ولادت نورانی حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) با حضور هنرمندان عرصه تجسمی در جوار بارگاه ملکوتی آن حضرت برگزار می‌شود. در این کارگاه هنری که برای نخستین بار به همت مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با همکاری معاونت فرهنگی و روابط عمومی آستان حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) برگزار می‌شود، هنرمندانی از رشته‌های خوشنویسی، نقاشی و نقاشی‌خط حضور خواهند داشت. وجه تسمیه کارگاه هنری «آبروی ری» برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با برگزارکنندگان کنگره حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) است؛ ایشان در آن دیدار، حضرت سیدالکریم(ع) را به مثابه شخصیتی که به ری و تاریخ ری آبرو بخشیده است، معرفی می‌کنند. کارگاه هنری «آبروی ری»، روزهای شنبه و یکشنبه (هفتم و هشتم آبان ماه)، از ساعت ۱۰ تا ۱۷ در جوار بارگاه نورانی حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) در شهر مقدس ری برپا و پذیرای عموم زائران و مجاوران خواهد بود.